

متن پرسش

سلام بر استاد عزیز: ابتدا باید خدا را شکر کنم که شما و کتاب هایتان را بر سر راه من قرار داد تا خلاء نداشتن استاد اخلاق، برایم جبران شود. استاد عزیز من چند سالی است که سیر مطالعاتی کتاب های شما را شروع کرده ام و تا الان ده یا دوازده تا از کتاب های شما را مطالعه کرده ام. در زمینه غرب شناسی، شما و همفکرانتان دیدگاههای خاصی دارید که کمتر در فضای رسانه های انقلاب اسلامی به آن پرداخته می شود. دیروز در سایت تریبون مطلبی را خواندم که گرچه خیلی سربسته است ولی انتقادات جدی را به تفکرات شخصیت هایی امثال دکتر فردید و هایدگر وارد می کند. اگر لطف بفرمائید و نظرتان را درباره کلیت یادداشت و خصوصا این قسمت آن بفرمائید، ممنون می شوم. «جریان هایدگری در ایران، چهار دهه است که در باب «توسعه» و «تکنیک» و «غرب» تأمل کرده و نوشته، اما همچون فیلم هایی که پایان بندی باز دارند و ادامگی قصه را به ذهن مخاطب وامی نهند، بصیرت و پاسخ روشنی در اختیار مخاطبان خویش قرار نداده؛ چراکه «شفاف» سخن نمی گوید و «تأمل» برای آن به هدف و مقصد تبدیل شده است. یکی از چهره های اصلی این جریان در مصاحبه ای گفته بود من چندین دهه است که درباره ای امکان نوع متفاوتی از علوم انسانی فکر می کنم. مصاحبه کننده از او پرسیده بود که به چه پاسخی دست یافته اید، او گفته بود که همچنان باید «تأمل» کرد! این تأملات «بی فرجام» و «بی نتیجه»، حکایت از به بن بست رسیدن منطق اندیشه ورزی این جریان و تناقض های حل نشدنی اش می کند. اینان «فیلسوف پرسش» هستند و نه «فیلسوف پاسخ». آن ها نمی توانند ما را از «شک» به «یقین» هدایت کنند و تولید شک نیز، هنری نیست که بتوان به آن بالید. " <http://www.teribon.ir/archives/۲۶۷۴۲۶>/یک-گام-به-پیش،-دو-گام-به-پس.html

متن پاسخ

- باسمه تعالی: سلام علیکم: حضرت رضا «علیه السلام» می فرمایند: «انسان مؤمن همواره باید با نظر به تقدیر الهی منتظر گشایش های آینده ی خود باشد، وگرنه همواره مضطرب و دلتنگ خواهد بود». ملاحظه می کنید که ما در نظر به آینده وقتی به حکم تکلیف عمل کنیم منتظر نصرت الهی می مانیم و در این رابطه خداوند به پیامبرانش دستور می دهد در فضای توحیدی وارد مبارزه با کفر شوید و سپس به کفار بگویید: «فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» شما منتظر بمانید و ما هم منتظر می مانیم. در مقابل این تفکر، تفکر غربی قرار دارد که می خواهد به کمال خود برای جامعه و بشریت از ابتدا تا انتها همه چیز را تعیین کند بدون آن که نظر به مشیت الهی داشته باشد و بدون آن که متوجه حضور خداوند

در عالم باشد که امیرالمؤمنین «علیه السلام» در رابطه با حضور خداوند در عالم می‌فرمایند: «عَرَفْتُ رَبِّي بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ» خداوند و حضور او را در عالم از آن جهت شناختم که در مقابل هست‌ها و تصمیم‌ها و برنامه‌های ما حضور دیگری از خود را اعلام میکند. حالا در نظر بگیری این جماعت این نوع توجه به حضور خداوند و این نوع امید به نصرت الهی را به معنای به بن‌بست رسیدن منطق اندیشه‌ورزی قلمداد می‌کنند. بنده نمی‌گویم نباید به نگاه دکتر فردید و هایدگر نقد نکرد، تأسف بنده از آن است که چرا این عزیزان تلاش نمی‌کنند سخن را درست بفهمند و بعد با نقد آن سخن یکی از رخنه‌های فرهنگی ما را جبران کنند و تاریخ ما را به جلو ببرند. به نظر این حقیر برای فهم سخنان هایدگر باید مبانی عرفانی اکهارت مدّ نظر باشد همچنان‌که برای فهم سخنان فردید باید از مبانی محی‌الدین بن عربی غافل نبود. و متأسفانه کسانی‌که با نگاه بدبینانه به هایدگر و فردید نگاه می‌کنند از فهم عرفانی لازم برخوردار نیستند ای کاش حداقل به کتاب ارزشمند «پرسش از حقیقت» که مطالعه‌ی تطبیقی در آراء ابن عربی و هایدگر توسط آقای دکتر علی اصغر مصلح نوشته شده، نگاهی می‌کردند تا این قدر بی‌باکانه نظر دهند و موجب مک‌درشدن فضای فرهنگی کشور شوند. موفق باشید